قانون
۰۴ جامعه
سال چهارم | شماره ۶۹۹ | ۱۶ صفحه
دوشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۴
۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۷ | ۴ ژانویه ۲۰۱۶
jamee@ghanoondaily.ir

## آغاز ثبت نام آرم طرح ترافیک ۹۵

مدیرواحدصدور آرم سازمان ترافیک از آغاز ثبت نام آرم‌های سالانه ورود به محدوده طرح ترافیک از روز دوشنبه ۱۴ دی ماه خبر داد و گفت: متقاضیان به مدت دو هفته -تا ۲۷ دی ماه- فرصت دارند تا از طریق سایت www.tehran.ir نسبت به ثبت نام در سامانه مذکور اقدام کنند. به گفته قنبرنژاد، مطابق سال‌های گذشته ثبت نام آرم طرح ترافیک الکترونیکی بوده و از طریق سایت شهرداری تهران صورت می‌گیرد و تعداد مجوزهای طرح ترافیک در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴ حتی یک فقره نیز افزایش پیدا نخواهد کرد. به گفته وی، امسال نیز همچون سال‌های گذشته، خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان عزیز، بیماران خاص و عزیزان خبرنگار از تعرفه حمایتی برخوردار خواهند بود. تمامی خودروهای عمومی و امدادی نیاز به مجوز دارند و باید نسبت به اخذ مجوز طرح ترافیک اقدام کنند.

## آمادگی اورژانس هسته‌ای در ۲ استان

رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی کشور با بیان اینکه احتمال وقوع حوادث هسته‌ای در کشور ما بسیار پایین است، در عین حال از وجود دو بیمارستان در این زمینه در استان اصفهان و بوشهر هسته‌ای خبر داد. به گفته امین صابری نیا، اورژانس هسته‌ای که بنا بود با هماهنگی سازمان مدیریت بحران پیش رود و بحث حوادث نامتعارف مانند حوادث شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیک یکی از ابعاد مدیریت بحران است که وزارت بهداشت نیز با توجه به اینکه این نوع حوادث که در خدمات جاری ما وجود ندارند، باید به فکر آنها باشد و تا کنون نیز این گونه بوده است. به گفته وی، وقوع حوادث هسته‌ای در کشور پایین است با این حال باید آماده باشیم. بر این اساس در مانور هسته‌ای تهران نیز همکاری، همفکری و همبستگی میان سازمان‌های درگیر در بحث حوادث هسته‌ای را بررسی می‌کردیم.

یادداشت

## آموزگاران «بیتوته‌ای»، خطرها و آسیب‌های پیش‌رو!

محمدرضا نیک‌نژاد
آموزگار

در یکی، دو هفته گذشته خبرهای غمباری فضای آموزشی کشور را فرا گرفت. نخستین خبر یخ زدگی و درگذشت علی نوروزی «آموزگار» کهگیلویه و بویراحمدی در مسیر بازگشت به خانه بود. و دیگری انتشار گزارشی درباره «علی اسدزاده» آموزگار خرم آبادی که زمستان سه سال پیش در راه بازگشت از روستای محل کارش در منطقه سپیددشت استان لرستان و در مسیر ۴۵ دقیقه‌ای پیاده‌روی از روستا تا لب جاده، گرفتار سرما شد و در اثر ماندن در سرما و نبود امکانات درمانی در روستا پس از چند روز پزشکان وادار به قطع پایش شدند! این آموزگاران «بیتوته‌ای» بوده‌اند. آموزگار بیتوته‌ای به فرهنگیانی گفته می‌شود که در مناطق دور افتاده با راه‌های دشوار کوهستانی و بیابانی و پر خطر کار می‌کنند و مجبورند در طول هفته در روستای محل خدمت بمانند و پس از یک یا دو هفته به خانه برگردند. مدرسه‌های روستاهای دور افتاده یا عشایری معمولا چادر، کانکس و در بهترین حالت ساختمان‌هایی با امکانات کم، یکی دو اتاقه و چند پایه‌اند. جدای از شرایط آموزشی نامناسب، وجود بخاری‌های نفتی غیر استاندارد پر ماجرا، در دسترس نبودن امکانات بهداشتی و ایمنی، نامناسب بودن اندازه کلاس و نور و جابه‌جایی هوا و ... تنها بخشی از دشواری‌های آنهاست. اما آموزگاران بیتوته‌ای به جز آمدوشد و گرفتاری‌های آموزشی و غیر آموزشی اشاره شده، دشواری‌های دیگری نیز دارند. در سال‌های گذشته که کسری بودجه‌ی سرسام آورِ نهاد آموزشی، آهسته آهسته به غولی بی‌شاخ و دم تبدیل شده و بی پولی در گسترده‌ترین وزارتخانه دولت نه تنها آموزش کیفی استاندارد بلکه وظیفه‌های سنتی آموزش را نیز زمینگیر کرده است. از این رهگذر هر چه مناطق آموزشی از مرکز دورتر می‌شوند چون خانواده‌ها نابرخوردارتر و توان مالی پرداخت کمک‌های دلبخواهانه! مردمی کمتر می‌شود کسر بودجه بیشتر خود را نشان می‌دهد. از این رو پرداخت نشدن یا پرداخت قطره چکانی سرانه دانش آموزی – پولی که آموزش و پرورش هر سال باید به ازای هر دانش آموز به مدرسه‌ها پرداخت نماید تا برای هزینه‌های جاری مدرسه صرف شود – بیش از هر جای دیگری مدرسه‌های روستایی و عشایری و زندگی آموزگاران آنها را زیر فشار می‌برد و کیفیت آن را کاهش می‌دهد. شنیده‌ها حکایت از این دارد که بسیاری از آموزگاران این مدرسه‌ها هزینه تهیه نفت و بخاری و خوراک و ... خود و حتی مدرسه را تامین می‌کنند و آموزش و پرورش توانِ فراهم کردن کمترین امکانات شخصی و آموزشی برای این آموزگاران را ندارد. برخی از این آموزگاران در جاهایی امکان داشتن سرویس آمدوشد را ندارند و اگر هم داشته باشند آموزش و پرورش توان فراهم کردن چنین امکانی را برای آنها ندارد و از این رو بدبختانه گاه گداری شاهد رخدادهای تلخی برای این همکاران هستیم. اما چند نکته. گرچه در دو سال گذشته آموزش و پرورش از فرهنگیانی که در راه آموزش یا جان داده‌اند یا آسیب دیده‌اند، قدردانی کرده که به جای خودش ستودنی و ارزشمند است اما دیده می‌شود که در انتشار خبرهایی از این دست دلخور شده و در برخی موارد بر منتشر کننده فشار وارد می‌کند! باید دانست که تا دردها هویدا نشوند نمی‌توان درمانی برای آنها یافت. بی گمان امروز ساختار آموزشی، دردهای فراوانی دارد که بسیاری از آنها تاریخی بوده و از میان برداشتنش نیاز به یک همکاری ملی دارد. پس دست اندرکاران آموزشی از انتشار چنین خبرهایی نهراسند. این خبرها می‌توانند زمینه‌ای برای حل گام به گام گرفتاری‌ها فراهم کنند. دوم آن که آموزش و پرورش باید از همکاران آسیب دیده حمایت‌های مادی و معنوی داشته باشد. تجربه نشان می‌دهد که سخت گیری اداره‌های آموزش و پرورش شهرستان‌ها و البته بی خبری خودِ فرهنگیان از قانون، زمینه آسیب به زندگی این فرهنگیان را فراهم می‌کند و خود و خانواده‌های آنان را دچار گرفتاری سختی می‌نمایند. در پایان امیدواریم همچنان که قائم مقام نظام پرستاری کشور که با درگذشت غمبارِ پرستار نیشابوری به خوبی واکنش نشان داده و پیشنهاد داد که پرستاران یک هفته با روبان مشکی سر کار حاضر شوند، فرادستان آموزشی ما نیز با چنین خبرهای ناگواری واکنش درخوری نشان داده و زمینه آرامش خانواده‌ها و دیگر همکاران را فراهم کرده و احساس رضایت را در آنها پدید آورند. گرچه امیدواریم که دیگر شاهد چنین آسیب‌هایی نباشیم.

عدد خبر

**۸۰۰** هزار تن آلایندگی سالانه به هوای پایتخت وارد می‌شود. به گفته محمدباقر قالیباف شهردار تهران، ۸۲ درصد منابع آلایندگی هوای تهران وسایل متحرک از جمله موتور، خودرو و ... است و ۱۸ درصد منبع آلایندگی مسکونی است.

**۴۰** میلیون نفر در کشور از مزایای بیمه تامین اجتماعی برخوردارند. به گفته عبدالرحمان تاج الدین معاون حقوقی و امور مجلس سازمان تامین اجتماعی، هم اکنون با احتساب افراد تحت تکفل بیمه‌شدگان اصلی و مستمری بگیران از مزایای بیمه برخوردارند.

**۱۰** میلیون تومان هزینه سالانه مبتلایان به ایدز است. به گفته عباس صداقت رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دولت به طور متوسط برای درمان و مراقبت از هر یک از این بیماران سالانه ۱۰ میلیون تومان هزینه می‌کند.

نگاهی به مشکلات معلمان روستایی

# بیتوته‌ای‌ها در جاده‌های صعب‌العبور نظام آموزشی

گلاره کلانتری

همه می‌دانیم، هر گاه افرادی بخواهند در کار خود به عنوان عنصری حرفه‌ای مطرح شوند، باید شرایط سخت آن را بپذیرند. حرفه معلمی نیز از این قاعده مستثنا نیست، نیروهایی که به عنوان مدرس در آموزش و پرورش مشغول اند. در سیستم نظام آموزشی دارای چند دسته از معلمان هستیم که برخی از آنان به دلیل رسمی بودن از همان بدو ورود به آموزش و پرورش مشغول به تدریس می‌شوند. در عین حال برخی معلمانی حق‌التدریس هستند و در برخی رشته‌ها از جانب آموزش و پرورش جذب می‌شوند و پس از مدتی اگر آموزش و پرورش به نیرو احتیاج داشت به صورت رسمی استخدام می‌شوند. با این حال، فرآیند استخدام حق‌التدریسی‌ها به صورت رسمی در بیشتر موارد حدود ۶ سال به طول می‌انجامد و در این مدت، بیشتر این معلمان از شرایط خود ناراضی اند. دسته دیگر از معلمان وجود دارند که به مراتب دارای شرایط شغلی سخت و دردناک‌تر نسبت به دو دسته‌ای که نام برده شد دارند، چرا که این معلمان به عنوان معلمان آزاد شناخته شده‌اند که حکم ابلاغی برای آنها صادر نمی‌شود، از خدمات بیمه‌ای برخوردار نیستند و تنها به صورت شفاهی با آنها توافق می‌شود. گفته می‌شود به کارگیری این نوع از معلمان در سه سال اخیر مرسوم شده اما اکنون جذب آنها متوقف شده است. از نیروی کار معلمان آزاد در مناطق محروم و روستایی استفاده می‌شود که به دلیل صعب‌العبور بودن نیروهای نوع دیگر حاضر به خدمت در آن مناطق نیستند.

**● معلمان چه مشکلاتی دارند؟**

مشکل مشترکی که میان معلمان وجود دارد مسکن است؛ معلمانی که مبلغ زیادی از حقوق خود را صرف کرایه خانه می‌کنند. بسیاری از معلمان پس از سال‌ها خدمت در آموزش و پرورش، همچنان نتوانسته‌اند مسکن شخصی داشته باشند و مقدار بسیاری از حقوق خود را هزینه کرایه خانه می‌کنند. برخی از معلمان مشکلات خود را رفت و آمد به مناطقی عنوان می‌کنند که با وجود صعب‌العبور بودن، هیچ مزایایی برای خدمت در آن مناطق به آنها ارائه نمی‌شود. وام، بیمه، پاداش و مزایا از مواردی است که این معلمان از آنها ابراز رضایت نمی‌کنند و آن را در مقایسه با مزایای سایر مشاغل نامناسب و نابرابر می‌دانند. معلمان مناطق محروم هیچ پاداشی دریافت نمی‌کنند این در حالی است که در روزهای سخت پاییز و زمستان باید مسافت طولانی را از محل سکونت خود طی کرده تا به محل خدمت خود برسند. اما در مسیر ممکن است با مشکلات زیادی روبرو شوند که به دلیل تنها بودن، به موقع نرسیدن کمک های خدمات رسانی دیگر نتوانند به خانه گرم خود بازگردند. مسئله اصلی اینجاست که در تمام این سال‌ها دولت‌های مختلف نتوانسته‌اند برای کسب رضایت این قشر زحمتکش در مناطق صعب‌العبور، که تعلیم و تربیت کودکان ما نیز در دست آنهاست، به نتایج قابل قبولی دست پیدا کنند. بنابراین مشکلات معیشتی معلمان ربطی به امروز و دیروز ندارد بلکه همانند کلافی است که در تمام این سال‌ها سر در گم بوده و هیچ کسی چاره‌ای برای آن پیدا نکرده است. بدون شک مواردی که ذکر شد، تمام مشکلات معلمان را پوشش نمی‌دهد اما مسئله‌ای که بسیار حائز اهمیت است اینکه اگر مجموع این مشکلات و حل نشود، نوعی بی‌انگیزگی به دلیل فشارهای معیشتی و سختی کار در معلمان ایجاد شده که به مراتب مشکلاتی اساسی و ریشه‌ای برای نظام آموزشی کشور به وجود خواهد آورد.

**● حوادث تلخی که برای برخی از معلمان اتفاق افتاده است**

«روز چهارشنبه ۲۵ آذر معلم استان کهگیلویه و بویراحمد در مسیر بازگشت از روستای محل خدمت خود به خانه‌اش در سرمای شدید، جان سپرد. علی بخش نوروزی معلم مدرسه شهیدان سروش‌نژاد روستای طسوج از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد دارای ۲۵ سال سابقه در مقطع ابتدایی بود. آقای نوروزی عصر چهارشنبه ۲۵ آذر امسال مانند هر هفته از روستا به سمت خانه حرکت کرد اما این هفته با هفته‌های گذشته تفاوت داشت. فاصله روستای طسوج بیش از ۶۰ کیلومتر از چرام مرکز شهرستان است و حدود ۲۰ کیلومتر از جاده، خاکی و برفگیر است. عصر چهارشنبه وقتی آقامعلم به همراه ۲ نفر دیگر راهی چرام بودند، خودروی آنها در مسیر جاده خاکی و سرمای شدید، متوقف شد. نیروهای کمکی به موقع نمی‌رسند و آقامعلم و یکی از سرنشینان خودرو بر اثر سرما جان می‌بازند. این در حالی است که سرنشین دیگر خودرو در بیمارستان دهدشت بستری است.» البته ماجرا فقط به قصه دردناک معلم کهگیلویه و بویراحمد ختم نمی‌شود چرا که «علی اسدزاده» ۹ سال در مناطق سرد، صعب‌العبور و کوهستانی لرستان به دانش آموزان و کودکان عشایر درس می‌داد. سرمای شدید مناطقی که معلم گاه ساعت‌ها پای پیاده در آنجا راه می‌رفت، به لخته شدن خون در پای او و قطع پای چپش تا بالای زانو منجر می‌شود.» از این حکایت‌ها در اقصی نقاط کشور وجود دارد که در برخی موارد ممکن است حتی رسانه‌ای نشود. به همین منظور «قانون» با «محمد روزبهانی» کارشناس آموزش در زمینه اینکه آیا سازمان‌های مختلف برای خدمات رسانی به معلمان بیتوته فعالیت‌های لازم را دارد گفت‌وگو کرده که به شرح زیر است: کارشناس آموزشی درباره اینکه معلمانی که دچار حادثه می‌شوند آیا قانونی در کشور وجود دارد که بتواند حقوق آنها را پیگیری کند، می‌گوید: «آموزش و پرورش دارای بخش حقوقی است و زمانی که معلم دچار حادثه‌ای شود به این بخش مراجعه می‌کند و مشاورهایی که در این مراکز هستند وکالت آنها را برعهده می‌گیرند تا بتوانند حقوق از دست رفته خود را بگیرند.» به گفته محمد روزبهانی، در زمینه معلمان حادثه دیده نکته‌ای وجود دارد که باید به آن توجه کرد که در برخی از دولت‌ها به این معلم‌ها توجه نمی‌شود و این معلم‌ها باید برای گرفتن حقوق خود روزها و بعضا سال‌ها دوندگی کنند تا بتوانند حقوق از دست رفته خود را به دلیل حادثه دریافت کنند. اما در دولت تدبیر و امید معلمانی که به دلیل سختی مسیر اتفاقات ناخوشایندی برایشان می‌افتد خود یا خانواده‌هایشان به آسانی می‌توانند حقوق از کار افتادگی و بازنشستگی را طلب کنند.» به گفته وی، «در کشور خلاقانونی برای معلمان احساس نمی‌شود و اکنون این قانون در حال اجرا شدن است. در بعضی موارد معلم ممکن است حق بیمه خود را بعد از حادثه نتواند دریافت کند که دیگر در اینجا انتقاد به سازمان تامین اجتماعی است. حتی معلمانی که در مناطق صعب‌العبور در حال خدمت رسانی هستند باید از وزارت راه و شهرسازی درخواست کرد که این راه‌های صعب‌العبور را هموار کنند». بنابراین بیش از پیش به امکانات زیر ساختی در کشور توسط مسئولان توجه شود. اما آموزش و پرورش می‌تواند برای معلمانی که در این مناطق ممکن است حادثه آفرین باشد از لحاظ مادی و معنوی آنها را مورد حمایت‌های ویژه قرار دهد.»

**محمد روزبهانی: برخی از معلمان مشکلات خود را رفت و آمد به مناطقی عنوان می‌کنند که با وجود صعب‌العبور بودن، هیچ مزایایی برای خدمت در آن مناطق به آنها ارائه نمی‌شود. وام، بیمه، پاداش و مزایا از مواردی است که این معلمان از آنها ابراز رضایت نمی‌کنند و آن را در مقایسه با مزایای سایر مشاغل نامناسب و نابرابر می‌دانند**

**● معلم با مشکلات معیشتی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد**

عوامل مؤثر بر منش و روحیه دانش آموزان، روحیه معلم، رفتار، بیان، سعه صدر و انگیزه مدرسه است. در محیط مدرسه و کلاس درس روحیه معلم، رفتار معلم، بیان معلم، سعه صدر معلم و... تأثیر مستقیم بر رفتار و روحیه دانش آموزان دارد. اگر معلم دارای روحیه‌ای خوب و شاد باشد دانش آموزان نیز دارای روحیه‌ای شاد و خوب خواهند بود و اگر معلم با انگیزه بالا وارد کلاس شود و تدریس را با انگیزه شروع نماید سبب افزایش انگیزه مطالعه و جست وجو و یادگیری در دانش آموزان خواهد شد. لازمه برخورد مناسب و توام با متانت دانش آموزان با مشکلات آموزشی و پرورشی خود، داشتن معلمانی صبور و با سعه صدر بالاست. اما اگر معلم دارای مشکل معیشتی باشد چگونه قادر است روحیه‌ای شاد داشته باشد، چگونه باید صبور باشد و با کدام انگیزه بالا وارد کلاس شود. مسئولان با داشتن برنامه‌ریزی‌ای که پشتوانه مطالعه باشد می‌توانند مشکلاتی که در زمینه معیشتی وجود دارد را حل کنند. چگونه می‌توان انتظار داشت معلمی که با خستگی وارد کلاس می‌شود روحیه‌ای شاد داشته باشد و با شور و نشاط و پر انرژی کلاس را اداره کند. در پایان می‌توان نتیجه گرفت که اگر معلمان عملکرد مناسبی در کلاس نداشته باشند می‌تواند منجر به افت تحصیلی و در درازمدت ترک تحصیل تعدادی از دانش آموزان شود و دوری از کلاس و درس می‌تواند سبب افزایش آمار ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. از آنجا که پیشگیری هموار آسان‌تر و ارزان‌تر از درمان است، شایسته است هزینه‌هایی به وزارت آموزش و پرورش تزریق شود تا باعث ارتقای سطح معیشت و رفاه معلمان شود. ارتقای سطح معیشت و رفاه معلمان به طور سیستماتیک سبب اعتلای جایگاه و منزلت معلمان خواهد شد.

درخواست بی خانمان شهر تهران از مردم:

# لباس‌های دیوار مهربانی را قبل از اهدا بشویید!

**گروه جامعه**- «نیاز نداری بذار، نیاز داری بردار». این جمله چند وقتی است که روی برخی دیوارهای شهرهای کشورمان نقش بسته تا دیوار مهربانی در همه جای آن میزبان لباس‌ها و کفش‌های اهدایی خیرین شود و مردم بی‌بضاعت در فصل سرما از این کفش‌ها و لباس‌های گرم بی‌نصیب نمانند. دیوار مهربانی یکی از خلاقیت‌های نوآورانه و انسان دوستانه مردم ایران در چند سال اخیر است. البته گسترش این فرهنگ در نقاط مختلف کشور، نیاز به زمان بیشتری دارد. این حس همدوستی از مشهد شروع شد و خیلی سریع در بیشتر شهرهای کشورمان از جمله پایتخت گسترش یافته است. دیوارهایی که در تهران وجود دارد، بر خلاف دیوارهای مهربانی دیگر شهرها، چوب لباسی ندارد و مردم لباس‌های خود را روی میله‌های کنار آن قرار داده‌اند. روبه روی یکی از دیوار مهربانی در شهر تهران ایستاده بودم که در این زمینه نظرات برخی از شهروندان را جویا شوم که در ادامه این گفت‌وگوی «قانون» را می‌خوانید:

سیروس دانشجو، دانش آموخته علوم سیاسی در زمینه دیوار مهربانی می‌گوید: «فساد مالی در دولت قبل باعث شد که برخی از مردم نیازمند بیشتر از گذشته نیازمندتر شوند. وجود این دیوار اقدام انسان دوستانه‌ای است اما برای ایرانی که به عنوان کشوری ثروتمند شناخته شده است، شایسته نیست نیازمندان از روی دیوار لباس بردارند.» هنگامی که با سیروس صحبت می‌کردم، چشمم به پیرمردی سالخورده افتاد که روبه روی دیوار مهربانی ایستاده و مکثی کرده و کاپشنی را از روی دیوار برداشت. بلافاصله از او سوال کردم به عنوان فردی که از این دیوار مهربانی استفاده می‌کنید درخواست شما از مردم چیست، پیرمرد پاسخ داد: «از مردم درخواست دارم قبل از اینکه لباس‌هایی را که دیگر نیازی به آن‌ها ندارند، شسته تا از لحاظ بهداشتی قابل استفاده باشد. همچنین به عنوان کشوری که روی گنج نشسته‌ایم نباید چشممان به دست دیگران باشد! اما حس همدردی مردم در روزهای فصل سرد سال قابل تقدیر است و از آن‌ها ممنون هستم که هنوز بی‌خانمان‌ها در کشور از یاد نرفته‌اند.» سارا در زمینه اینکه چطور می‌توان این حرکت‌های خودجوش را در بطن جامعه نهادینه کرد، می‌گوید: «دیوار مهربانی حرکت بسیار قشنگی است که در میان مردم شکل گرفته است. امیدوارم برای تداوم این اقدامات در کشور مسئولان حمایت‌های لازم را داشته و به صورت سمبلیک لباس‌هایی را روی دیوارها آویزان کنند. همچنین می‌توانند امکانات بیشتری را در اختیار بی‌خانمان‌ها قرار دهند. به عنوان مثال در برخی از شهرها خیرین یخچال‌هایی را در کنار دیوار مهربانی قرار داده‌اند که می‌توانند با مواد غذایی مناسب این یخچال‌ها را پر کنند.»

**● سازمان‌دهنده این حرکت اجتماعی ناشناخته است**

جالب اینجاست که این موج مهربانی، نه تنها در داخل که در خارج از کشور هم با واکنش‌های مثبتی مواجه شده است و همین جمله ساده حالا خیلی معروف شده است. دویچه‌وله فارسی در این باره نوشته که خبر به رسانه‌های بین‌المللی رسید. «روزنامه دیلی تلگراف» و دیگر نشریات گزارش‌هایی از دیوار مهربانی با آب و تاب منتشر کرده‌اند. روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف هم این گونه درباره دیوار مهربانی می‌نویسد: «ایرانی‌ها دیوارهای مهربانی برپا کرده‌اند. مردم (با این ابتکار) به راحتی می‌توانند کت و لباس‌های گرم خود را به افراد بی‌خانمان و بی‌بضاعت در حالی که ایران دارای زمستان‌های بسیار سردی است، اهدا کنند. مفهوم بسیار ساده است، چند آویز و چوب لباسی روی یک دیوار رنگ شده که در آن نوشته شده است: «اگر نیاز نداری بگذار و اگر نیاز داری آن را بردار» این روزنامه با بیان اینکه سازمان دهنده این حرکت اجتماعی همچنان ناشناخته باقی مانده است، افزود: «گفته می‌شود که این ابتکار نخست در شهر مشهد در شمال شرق ایران شروع شد و پس از آن در شهرهای دیگر این کشور گسترش یافت. این حرکت در دیگر شهرها پس از پخش تصاویر آن در شبکه‌های اجتماعی که از کاربران شان می‌خواستند اجازه ندهند که مردم بی‌خانمان از سرما در این زمستان بلرزند، گسترش یافت.»

نگاه

## تهران هم کوه دارد...

**شهر تهران پس از درگیری دو هفته‌ای با هوای ناسالم سرانجام امروز هوای پاک را تجربه کرد. پس از مدت‌ها کوه‌های تهران را به فراموشی داده بود، حالا این کوه‌ها، با پاک شدن هوا که شاید چند وقتی هم بیشتر دوام نیاورد به چشم آمده‌اند.**